

## تعطیلات، جوانی و نشاط

تفسیر شیرینی از لسان امیرالمؤمنین علیه السلام

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عز وجل: وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا. قَالَ لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاعَكَ وَ سَبَابَكَ وَ نَشَاظَكَ أَنْ تَظْلَبَ بِهَا الْآخِرَةَ.

علی علیه السلام در تفسیر قول خدای عز وجل: «فراموش مکن بهره خود را از دنیا» (سوره قصص ۷۷) فرمود: فراموش مکن تندرستی خود و توانائی و فراغت و جوانی و نشاط خود را که طلب آخرت کنی.

[منبع: الأمالی(للصدوق)، النص، ص: ۲۲۹]

## جهادگر شهید



## زندگی به سبک جهادی

اثر محمد رستمی تاجیک

تلاش جدی برای پیشبرد اهداف اسلام و خنثی کردن نقشه‌های دشمن، وجه اشتراک همه مفاهیمی است که از ترکیب با کلمه «جهاد» به دست می‌آیند؛ «جهاد علمی»، «جهاد نظامی»، «جهاد اقتصادی»، «جهاد فرهنگی»، «جهاد خدمت‌رسانی» و ... . حجت‌الاسلام رستمی در کتاب «زندگی به سبک جهادی» که توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است قصد داشته که به ابعاد متنوع جهاد از منظر رهبر معظم انقلاب بپردازد؛ «کلیات جهاد و فرهنگ جهادی»، «فرهنگ جهادی و تولید علم»، «فرهنگ جهادی و حوزه علمیه»، «فرهنگ جهادی و دانشگاه»،

«فرهنگ جهادی و زنان» و «فرهنگ جهادی و اقتصاد» فصل‌های این کتاب هستند. جهاد خدمت‌رسانی نیز تحت عنوان «اردوهای جهادی و طرح هجرت» در قالب یک گفتار به فصل «فرهنگ جهادی و دانشگاه» اختصاص داده شده است. البته روشن است، امروزه فرهنگ خدمت‌رسانی به صورت گسترده‌ای در اقشار گوناگون جامعه اسلامی ریشه دوانده و میوه‌های خوش‌آب‌ورنگش هر از گاهی با اتفاقات تلخ و شیرین چشم‌نوازی می‌کند.

## شهید مدافع سلامت حجت‌الاسلام و المسلمین جعفر آذرپندار

۱۳۵۵ (چهار برج) | ۱۱ فروردین ۱۳۹۹

ابتلاء به ویروس کرونا در جریان ضدعفونی معابر شهری

«اقامه نماز جمعه وسط جاده خاکی» تمام شود؛ همان جاده‌ای که بارها از مسئولان خواسته شده بود، آسفالتش کنند. با آمدن کرونا، در خانه نماند، صوتی مبنی بر «در خانه بمانیم» ضبط کرده و مدام از بلندگوی مسجد پخش می‌کرد. مسئولان را برای کنترل ورودی شهر به خط می‌کرد. با مغازه‌دارها برای بستن مغازه‌هاشان صحبت می‌کرد. دفتر امام جمعه تبدیل شد به محل تهیه بسته غذایی برای خانواده‌های بی‌بضاعت. تا آخر شب هم تمام معابر شهر را با کمک سایر نیروهای متعهد ضدعفونی می‌کردند. چند روز بعد از شهادت حاج قاسم، حرف دلش را به زبان آورد و چهار ماه بعد از شیوع کرونا پرکشید.

کشاورز زاده‌ای بود که مشهور بود به خانواده‌دوستی و کار پشت تراکتور روی زمین کشاورزی. توی مدرسه‌شان هم طرف‌های بقیه طلبه‌ها را می‌شست و مناجات ابو حمزه را سحرها می‌خواند. وقتی به کسوت امام جمعی درآمد، مغضوب تجزیه‌طلبان شده بود. آنها هم برای تخریب شخصیتش مضایقه نمی‌کردند. شاید آن شخصی که وسط خطبه‌های نماز جمعه بلند شد و به ایشان توهین‌های زشتی کرد، متأثر از فعالیت همان تجزیه‌طلبان بود. البته بعدا حاج‌آقا توی کوچه‌ای او را دید و حسابی با هم رفیق شدند. دخترش را به عقد یک جوان مسجدی تلاشگر درمی‌آورد که البته بعدا توقع نداشته باشد که برایش پارتی بازی کنند. موانع خدمت به مردم را با قوتی که از اجتماع مردم می‌گرفت کنار می‌زد حتی اگر به قیمت

از همان اول، بنا نداشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون، یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرفه‌ایان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.

در شناسه khatejihad\_admin@ایتما منتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

## همراه شوید

## ارتباط با ما

khatejihad	ماهانامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی   سال دوم   ماه چهاردهم   شماره ۱۴
@khatejihad_admin	صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور
www.jahadgaranhowzavi.com/mag	مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی   سردبیر: روح‌الله جلالوند   مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا
khatejihad.mag@gmail.com	نویسندگان این شماره: روح‌الله جلالوند، سجّاد علیمحمدی   سایت: آرش عرفان
۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۰	

خداوند! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «اتک ولی النعم» [امام خمینی رحمته الله علیه، منشور روحانیت]

ماجرای نیمروز و یک سلفی با طعم متفاوت < ۲ زندگی به سبک جهادی < ۴

## راه و چاه خدمت!

آسیب‌شناسی فعالیت جهادگران در مناطق بحران‌زده



همان روز در منطقه حضور یافته و در جلسه ستاد بحران، آمادگی خود را برای هرگونه همکاری اعلام می‌دارد. گستردگی مناطق زلزله‌زده، انتشار اخبار ضد و نقیض از وضعیت مردم و پیگیری مکرر گروه‌های جهادی حوزوی جهت حضور در مناطق زلزله‌زده و یاری‌رساندن به مردم، باعث شد که مسئولان دبیرخانه برای شناسایی دقیق‌تر و برآورد نیازمندی‌ها، راهی منطقه شوند تا از نزدیک وقایع را بررسی کرده و تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند.

[ادامه در صفحه سه]

## اشاره &lt;

ساعت ۳ بامداد که تنها ساعاتی از زلزله مهیب خوی گذشته بود، مدیر حوزه‌های علمیه حضرت آیت‌الله اعرافی، پیامی را مبنی بر حضور فعال حوزویان در کنار مردم و خدمت‌رسانی به ایشان صادر نمودند. در این پیام دبیرخانه گروه‌های جهادی به عنوان یکی از «مراجع ارتباطی» معرفی شده تا گروه‌های داوطلب از آن طریق خدمات خالصانه خود را ارائه نمایند.

نماینده امور استانی دبیرخانه در استان آذربایجان غربی حجت‌الاسلام خالقی- در

## خط جهاد

ماهانامه تخصصی جهادگران حوزوی | اسفند ۱۴۰۱

## بقیة الحیات

## سخن نخست

## دوبنده

روح‌الله جلالوند

ارباب‌ها وارد شدند. بنده‌ها هم به دنبالشان. ارباب‌ها مستقیم رفتند توی تالار و خیلی با تبختر نشستند روی تخت‌ها. بنده‌ها هم کمی آن‌طرف‌تر از اصطلب، نشستند روی زیلوهای اتاق گلی. با گوشه چشم به هم نگاه می‌کنند. اینجا از آن سفره‌های رنگین توی تالار خبری نیست ولی چیزی برای سدّ جوع نصیبشان می‌شود. خیلی نباید حرف بزنند! اسرار ارباب فاش می‌شود و عیب و هنر خودشان هم برملا. از رفتارشان باید تشخیصشان بدهی. تو هم ایستاده‌ای و رفتارهایشان را زیرنظر گرفته‌ای؛ بعضیشان بدجور چشمشان تمنای به دندان کشیدن لقمه‌ای بیشتر دارد؛ لقمه قبلی را نداده‌اند پایین، دست می‌برند توی بشقابشان و لقمه بعد، به امید آنکه اگر سرریزی آوردند سرازیر کنند در بشقاب خالی او. صدای جوییدن و قورت دادنش، دل و دماغ چشیدن طعم غذا را از سایرین ربوده؛ هنوز هیچ نشده آستینهایشان ملوث شده. عجب ارباب سنگ‌دلی دارد! این‌همه گرسنگی داده به این زبان‌بسته! ببین چطور حرص می‌زند؟!

اما آن یکی نه! چه باوقار، تا تعارفش نکردند، جلو نیامد. ادای سیرها را درمی‌آورد. رنگ‌ورویش که چیز دیگری می‌گوید. حالا هم که آمده، بیشتر با لقمه بازی می‌کند، لقمه‌ای هم که در دهان می‌گذارد، خوب می‌چود. سر از ظرف خود برنمی‌دارد. در یک کلام دوست‌داشتنی‌تر از بقیه است. ناگزیر اربابش را می‌ستایی؛ لابد خیلی مدبر و مهربان است که اینطور سیر کرده چشم و دل بنده‌اش را.

القصة؛ بنده‌ای هست که مدام راست یا دروغ- از نداری‌اش می‌نالد، از گرسنگی‌اش، از جاماندگی‌اش از بقیه و ... اما روی دیگر این سکه همان بنده آبروداری است که جایگاه‌ویژه قلب مولا را شش‌دانگ در اختیار گرفته؛ مولا بی‌بهبانه و بی‌درنگ به پایش می‌ریزد، شاید کمی دیر و زود ولی باحکمت، به اندازه و دلنشین؛ درست مثل جهادی‌ها؛ گریه‌ای که می‌افتد به کارشان، نذر می‌کنند که گره‌گشایی کنند از کار دیگر بندگان خدا و خدای بندگان هم که شاهد همه خوبی‌هاست، کارشان را لنگ نمی‌گذارد.

